

فارسی هفتم	درس ستایش «یاد تو» (شعر از نظامی)
متن درس	توضیحات
۱- ای نام تو بهترین سرآغاز // بی نام تو، نامه کی کنم باز؟ ای خدا نام تو بهترین نام برای آغاز هر کاری است و بدون گفتن نام تو چگونه می توانم کتابم را شروع کنم؟	سرآغاز: شروع / نامه: کتاب نام، تو: تکرار / نام، جناس ناقص یا ناهمسان افزایشی بیت تلمیح دارد: اشاره به حدیث پیامبر: هر کاری که با نام خدا آغاز نشود، ابتر (ناقص) است / سرآغاز، باز: قافیه مفهوم بیت: ذکر خداوند
۲- ای یاد تو مونسِ روانم // جز نام تو، نیست بر زبانم ای خداوند نام و یاد تو همدم روح و جان من است و به غیر از نام تو نام دیگری بر زبان من جاری نیست	مونس: همدم / روان: جسم و جان تو: تکرار / روان، زبان: قافیه: م در روان و زبان: ردیف مفهوم بیت: ذکر خداوند
۳- ای کارگشای هرچه هستند // نام تو، کلید هرچه بستند ای خداوندی که حلال و بر طرف کننده ی مشکلات هستی و نام تو مانند کلیدی است که درهای بسته را باز می کند	کارگشا: آن که مشکل کسی را برطرف می سازد؛ گشاینده کار هرچه: تکرار / کلید، بستن: تناسب نام تو مانند کلید است: تشبیه هستند، بستند: جناس ناهمسان اختلافی مفهوم بیت: ذکر خدا برطرف کننده مشکلات است
۴- ای هست گنِ اساسِ هستی // کوته ز دَرَت، دراز دستی ای خداوندی که پایه و اساس جهان را به وجود آورده ای؛ هرگونه ستم و تجاوزی به درگاه تو کوتاه شود (نابود شود)	هست گن: بوجود آورنده / اساس: پایه، بُن، ریشه کوته: مخفف کوتاه / در: درگاه / دراز دستی: تجاوز، ستم کوته از درت: کنایه از نابود شدن هست، هستی: جناس ناقص افزایشی هستی، دستی: جناس ناقص اختلافی / و قافیه مفهوم بیت: خواهان عدالت بر همگی
۵- هم قصّه نانموده، دانی // هم نامه نانوشته، خوانی خدایا از قصّه ها و داستان هایی که بیان نشده با خبر هستی؛ و کتاب ها و نامه هایی که نوشته نشده است را می خوانی	نانموده: نشان داده نشده، پنهان / نانوشته: نوشته نشده هم: تکرار / نامه، نوشتن، خواندن: تناسب یا مراعات نظیر بیت تلمیح دارد: اشاره به آیه قرآن: خداوند آنچه آشکار می کنید و آنچه پنهان می کنید، می داند / دانی، خوانی: قافیه مفهوم بیت: آگاهی خداوند (خداوند داناست)
۶- هم تو، به عنایت الهی // آنجا، قَدَم رسان که خواهی ای خداوند با لطف و توجه خداوندی ات؛ من را به راهی که خودت می خواهی هدایت کن	عنایت: لطف، توجه، بخشش / به، که: جناس ناقص اختلافی قدم رسان: کنایه از به جایی یا مقامی رسیدن الهی، خواهی: قافیه مفهوم بیت: بیان بخشش خداوند
۷- از ظلمتِ خود، رهایی ام ده // با نورِ خود آشنایی ام ده مرا از تاریکی خواهش های نفسانی ام رها کن؛ و با نور معرفت خودت آشنایم کن	ظلمت: تاریکی، سیاهی خود، ام، ده: تکرار / ظلمت خود: کنایه از هوای نفس ظلمت، نور: تضاد / رهایی، آشنایی: قافیه / ده: ردیف مفهوم بیت: هدایتگری

معنی لغات	آرایه ها	دستوری
سرآغاز: اول هر چیزی، شروع نامه: در این بیت به معنی کتاب مونس: همدم، همنشین، آشنا، انیس، جلیس، دمخور، دمساز، مصاحب، یار مقترن، همدم، همراه روان: جان، روح، نفس (با کلمه روان به معنی رونده، جاری و حرکت، هم آوا است) کارگشا: منظور خداوند است، آن که مشکل کسی را برطرف می‌سازد؛ گشاینده کار. هست کن: بوجود آورنده اساس: پایه، بُن، ریشه کوته: مخفف کوتاه در: درگاه دراز دستی: تجاوز، ستم نانموده: نشان داده نشده، ظاهر نشده، نهانی، پنهان نانوشته: نوشته نشده عنایت: لطف و بخشش خداوند ظلمت: تاریکی، تیرگی، سیاهی، ظلام (متضاد روشنایی، فروغ، نور)	بیت ۱: نام، تو: تکرار (کلماتی که از نظر معنی با هم یکی هستند اگر در عبارت یا جمله یا بیتی بیایند آرایه تکرار به حساب می آیند). نام، نامه: جناس ناقص افزایشی (دو کلمه عین هم اما یکی از آنها یک حرف بیشتر داشته باشد جناس ناقص یا جناس ناهمسان افزایشی می گویند). بیت تلمیح دارد: (هر گاه عبارتی ما را به یاد داستان، خاطره یا روایت یا حدیثی بیندازد آن عبارت آرایه تلمیح دارد). بیت ۳: هرچه: تکرار نام تو مانند کلید است: تشبیه (هرگاه کلمه ای به یک کلمه دیگر مانند و با فعل اسنادی « است » بیان شد تشبیه اسنادی گویند). هستند، بستند: جناس ناقص اختلافی (هرگاه دو کلمه شبیه هم ولی فقط در یک حرف چه در اول در اول کلمه یا وسط کلمه یا آخر کلمه با هم فرق کند جناس ناهمسان اختلافی گویند). بیت ۴: کوته از درت: کنایه از نابود شدن (هرگاه در عبارتی کلمه یا کلماتی و یا جمله ای در معنی اصلی خودش به کار نرفته باشد کنایه گفته می شود). هستی، دستی: جناس ناقص اختلافی بیت ۵: نامه، نوشتن، خواندن: تناسب یا مراعات نظیر (هرگاه دو یا چند کلمه نسبت به هم تناسب یا ارتباط معنایی دارند آرایه مراعات نظیر یا تناسب گویند) بیت تلمیح دارد: اشاره به آیه قرآن: خداوند آنچه آشکار / هم: آرایه تکرار بیت ۶: به، که: جناس ناقص اختلافی قدم رسان: کنایه از به مقامی رسیدن بیت ۷: خود، ام، ده: تکرار / ظلمت خود: کنایه از هوای نفس / ظلمت، نور: تضاد (هرگاه دو کلمه مخالف هم باشند تضاد یا طباق گویند)	بیت ۱: بیت سه جمله است. بعد از ای منادای محذوف وجود دارد (ای خدا) نام تو: نهاد / بهترین سرآغاز: مسند وجود حرف ندا و منادا در جمله: یک جمله به حساب می آید. بیت ۲: سه جمله است. بعد از ای، منادای محذوف وجود دارد. بیت پنج ترکیب اضافی دارد: یاد تو، مونس روان، روان من، نام تو، زبان من نیست: در اینجا فعل اسنادی نیست و به معنی وجود ندارد یا قرار نمی گیرد، می باشد. و در این جمله مسند نداریم بیت ۳: نام تو: نهاد / کلید هر چه: مفعول / بستند: فعل بیت ۴: اساس از کلمات هم‌آوا است با کلمه اثاث / دراز دستی: نهاد / کوته: مسند / درت: درگاه تو/ فعل محذوف (کوته ز درت دراز دستی شود) بیت ۵: نهاد محذوف « تو » است / قصه نانموده و نامه نانوشته: مفعول / بیت دو جمله دارد: فعل هایش « دانی و خوانی » بیت ۶: بیت دو جمله است. رسان و خواهی فعل جمله‌ها هستند. بیت ۷: (م) در رهایی و آشنایی نقش مفعولی دارد. / از ظلمت خود، با نور خود: گروه متممی (از و با: حرف اضافه - ظلمت و نور: متمم - خود: مضاف الیه)

الهی، دلی ده که در کار تو جان بازییم؛ خداوندا، شجاعتی به ما بده که در انجام دستورات تو فداکاری کنیم	دلی ده: جرأت، شهامت / کار تو: امورات خداوندی جان بازییم: جان نثار کنیم، فداکاری کنیم دل، جان: مراعات نظیر / دلی ده: کنایه از شجاعت داشتن جان بازییم: کنایه از : مردن
جانی ده که کار آن جهان سازیم، روح و جانی عطا کن که برای آخرت خود عمل خیری انجام دهیم	کار آن جهان سازیم: کنایه از آباد کردن جان، جهان: جناس ناقص افزایشی
دانایی ده که از راه نیفتیم، بینایی ده تا در چاه نیفتیم، دانش و آگاهی به ما بده که همراه نشویم. بینش و شناختی به ما ببخش که در چاه جهل و گمراهی نیفتیم	دانایی: دانش، آگاهی / راه: مسلک، روش، طریقت بینایی: بینش، نگرش / چاه: گمراهی ده، که - راه، چاه: جناس ناقص اختلافی / جمله سجع دارد راه: استعاره از راهنما / از راه نیفتیم: کنایه از همراه نشویم چاه: استعاره از گناه / در چاه نیفتیم: کنایه از همراه نشویم
دست گیر که دست آویز نداریم، ما را یاری کن زیرا هیچ یآوری جز تو نداریم	دست گیر: کمک کن / دست آویز: یار گر ، کمک رسان دست: مجاز از کمک و یاری کردن دست گیر، دست آویز: اشتقاق
توفیق ده، تا در دین استوار شویم، کمک کن تا در راه دین پایدار شویم	توفیق: موافق گردانیدن، مدد کردن، دست یافتن استوار: پابرجا، محکم عبارت تلمیح دارد: به آیه قرآنی
نگاه دار تا پیشان نشویم. به ما توجه کن تا آشفته و سرگردان نشویم.	نگاه: حفظ کن، توجه کن پیشان: آشفته، سرگردان نگاه، پیشان: تضاد مفهومی

معنی لغات	آرایه ها	دستوری
دلی ده: جرأت، شهامت کار تو: امورات خداوندی جان بازییم: جان نثار کنیم، فداکاری کنیم، در راه تو بمیریم	دل، جان: مراعات نظیر (دو کلمه که با هم ارتباط معنایی دارند) دلی ده: کنایه از شجاعت داشتن (جمله ای که در معنی اصلی به کار نرفته است) جان بازییم: کنایه از : مردن (جمله ای که در معنی اصلی به کار نرفته است)	الهی: منادا و یک جمله دلی ده: یک جمله و دل مفعول در کار تو جان بازییم: یک جمله که : حرف ربط وابسته ساز حرف ربط وابسته ساز چیست؟ هرگاه یک جمله با یک جمله دیگر با حرف که به هم مرتبط شوند آن حرف که را وابسته ساز گویند.
دانایی: دانش، آگاهی راه: مسلک، روش، طریقت بینایی: بینش، نگرش چاه: گمراهی	ده، که - راه، چاه: جناس ناقص اختلافی (اختلاف در یک حرف است) جمله سجع دارد: آرایه سجع باید در دو جمله صورت بپذیرد. و مطابقت جمله اول با	دانایی ده که از راه نیفتیم، بینایی ده تا در چاه نیفتیم، عبارت چهار جمله دارد: فعل هایش (ده، نیفتیم، ده، نیفتیم)

نهاد در همه چهار جمله محذوف است و نهاد محذوف آن « تو » است	جمله دوم از نظر تعداد کلمات به طور مساوی با هم آرایه سجع پدید می آید مثال: دانایی با بینایی / ده با ده / از راه با در چاه / نیفتیم با نیفتیم) راه: استعاره از راهنما / چاه: استعاره از گناه (استعاره کلمه ای غیر واقعی است که در معنای اصلی به کار نرفته است مانند چاه که در معنای چاه به کار نرفته بلکه به معنی گمراه شدن است) از راه نیفتیم: کنایه از گمراه نشویم در چاه نیفتیم: کنایه از گمراه نشویم (در اینجا، معنای از راه و در چاه افتادن نیست بلکه معنی دور از خود جمله می خواهد. کنایه گویند)	
دست گیر که دست آویز نداریم، عبارت دو جمله دارد: فعل های آن گیر و نداریم نهاد این جمله محذوف است نهاد محذوف آن « تو » است	دست: مجاز از کمک و یاری کردن (مجاز کلمه ای غیر واقعی که در عبارت می آید و منظورش را باید گفت مانند دست که در اینجا در معنی غیر واقعی به کار رفته است و معنی اصلی آن «دست» نیست بلکه منظورش «یاری» است دست گیر، دست آویز: اشتقاق (اشتقاق مانند هم خانواده است و اگر دو یا چند کلمه در یک جمله نسبت به هم هم خانواده باشند آرایه اشتقاق بوجود می آورد)	دست گیر: کمک کن دست آویز: یار گر ، کمک رسان
توفیق ده، تا در دین استوار شویم عبارت دو جمله دارد: فعل های آن (ده، شویم) نهاد جمله اول محذوف «تو» نهاد جمله دوم محذوف «ما» است	عبارت تلمیح دارد: به آیه قرآنی (چون اشاره دارد به آیه قرآنی تلمیح دارد)	توفیق: موافق گردانیدن، مدد کردن، دست یافتن، پیروزی، سازگاری، کامروایی، کامیابی، موفقیت متضاد: ناکامیابی استوار: پابرجا، محکم، پایدار، سخت تا نکنی جای قدم استوار پای منه در طلب هیچ کار (نظامی)
نگاه دار تا پریشان نشویم. عبارت دو جمله دارد: فعل های آن (دار، نشویم)	نگاه، پریشان: تضاد مفهومی (تضاد مفهومی به عبارتی گفته می شود که از نظر معنا نسبت به هم مخالف هستند)	نگاه: حفظ کن، توجه کن پریشان: آشفته، سرگردان

الهی نامه، خواجه عبدالله انصاری



آرامگاه خواجه عبدالله انصاری در هرات



نگاره خیالی نظامی

زادروز: ۵۳۷ هـ. ق، قرن ششم در گنجه

درگذشت: ۶۰۸ هـ ق گنجه

آرامگاه: گنجه، آذربایجان، جمهوری آذربایجان فعلی

محل زندگی: گنجه

ملیت: ایرانی

پیشه: شاعر، تاریخ‌نگار و داستان‌سرا

سبک: عراقی

لقب: حکیم نظامی

دوره: سلجوقیان، شروان‌شاهان

مکتب: آذربایجانی

آثار: مخزن‌الاسرار، هفت‌پیکر، خسرو و شیرین، شرف‌نامه

(اسکندر)، لیلی و مجنون (نامور به خمسة نظامی)، دیوان

حکیم نظامی

همسر: آفاق

فرزندان: محمد

والدین: یوسف (پدر)، رئیسه (مادر)

متولد: ۳۹۶ هـ. ق، اواخر قرن چهارم و دوران قرن پنجم در هرات

مرگ: ۴۸۱ هـ. ق: هرات

محل زندگی: هرات

رشته فعالیت: ادبیات، شعر

دلیل شهرت: مناجات‌های لطیف

دین: اسلام

آثار: از رسائل منشور او که به نثر مسجع نوشته مناجات‌نامه، نصایح،

زادالعارفین، کنزالسالکین، قلندرنامه، محبت‌نامه، هفت‌حصار،

رساله‌دل و جان، رساله‌واردات و الهی‌نامه را می‌توان نام برد

لقب: معروف به «پیر هرات» و «پیر انصار»

سوالات فارسی هفتم بخش ستایش

۱- معنی بیت زیر چیست؟

« ای کارگشای هر چه هستند نام تو کلید هر چه بستند »

۲- شعر به یاد تو از کیست؟ در مورد او توضیح دهید.

۳- کدام یک از کتاب های نظامی نمی باشد؟

(۱) خمسه (۲) لیلی و مجنون (۳) شیرین و فرهاد (۴) خسرو و شیرین

۴- متن زیر چه آرایه ای دارد؟

« دانایی ده که از راه نیفتیم، بینایی ده تا در چاه نیفتیم. »

۵- به سوال های زیر در مورد خواجه عبدالله انصاری پاسخ دهید.

الف- به چه لقبی معروف بود ؟

ب- در چه قرنی و در کجا دیده به جهان گشود؟

ج- به چه زبان های شعر می سرود؟

د- شهرت وی برای چه بود؟

ه- نثر وی چگونه بود؟

و- دو مورد از آثار وی را بنویسید.

۶- از شعرا و نویسندگان نثر مسجع در قرن پنجم و صاحب آثار «مناجات نامه» و «الهی نامه» است.

(۱) نظامی گنجوی

(۲) سعدی شیرازی

(۳) شیخ محمود شبستری

(۴) خواجه عبدالله انصاری

۷- با توجه به بیت زیر، کدام گزینه نادرست است؟

«ای نام تو بهترین سر آغاز بی نام تو نامه کی کنم باز؟»

(۱) نام تو: نهاد

(۲) نامه: مفعول

(۳) سر آغاز و باز: قافیه

(۴) بیت دو جمله دارد.

۸- منظور از واژه های «خود» در بیت زیر به ترتیب کدام است؟

«از ظلمت خود رهایی ام ده با نور خود آشنایی ام ده»

(۱) بنده - خداوند

(۲) خداوند - بنده

(۳) بنده - بنده

(۴) خداوند - خداوند

۹- با توجه به معنی، املای کدام گزینه نادرست است؟

(۱) هستی: دنیا

(۲) توفیق: سازگاری

(۳) رهایی: آزادی

(۴) اساس: لوازم خانگی

۱۰- در کدام گزینه ها جناس ناقص افزایشی وجود ندارد؟

(۱) جانی ده که کار آن جهان سازیم

(۲) بی نام تو، نامه کی کنم باز؟

(۳) ای هست کن اساس هستی

(۴) دانایی ده که از راه نیفتیم

۶- بیت (آفرین جان آفرین پاک را آن که جان بخشید و ایمان خاک را) با کدام گزینه ارتباط معنایی کمتری دارد؟

۱- به نام خداوند جان و خرد

۲- به نام خدایی که جان آفرید

۳- ای هست کن اساس هستی

۴- هم تو به عنایت الهی

کزین برتر اندیشه برنگردد

سخن گفتن اندر زبان آفرید

کوته زدرت دراز دستی

آنجا قدمم رسان که خواهی